

پنجشنبه ۳ شهریور ماه ۱۴۰۱ • ۱۴۴۴ محرم ۲۶ • 25 Aug 2022



نگاهی به رسانه‌ها

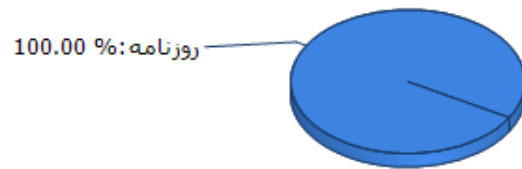
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

تعداد کل محتوا : ۷



روزنامه

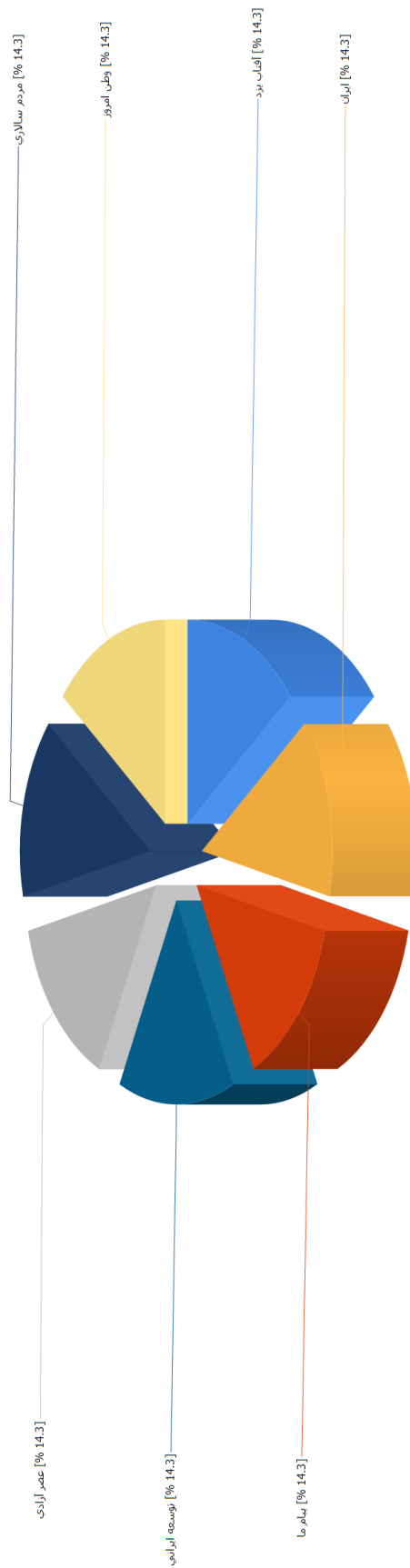
۷



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۴/۳	۱	آفتاب یزد	۱
۱۴/۳	۱	ایران	۲
۱۴/۳	۱	پیام ما	۳
۱۴/۳	۱	توسعه ایرانی	۴
۱۴/۳	۱	عصر آزادی	۵
۱۴/۳	۱	مردم سالاری	۶
۱۴/۳	۱	وطن امروز	۷
۱۰۰	۷	جمع کل	

نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	حاکمیت نگاه سیاسی به «هنر» و «فوتبال» دارد	آفتاب یزد
۸	معرفی مدیر روابط عمومی و مدیر ستاد خبری جشنواره تئاتر مقاومت	ایران
۹	«کالیگولا» در مجموعه تئاتر دیوار چهارم	پیام ما
۱۰	نگاهی به دو نمایش تماشاخانه مولوی / اندر مصائب ارزان ساختن	توسعه ایرانی
۱۱	روایتی از چند زن زندانی و تلاش برای رهایی	عصر آزادی
۱۲	کار بنیادین دولتها ایجاد توسعه فکری و نشاط اجتماعی است	مردم سالاری
۱۳	معرفی دبیران همایش «روایت راهیان»	وطن امروز



◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



بهزاد فراهانی:

حاکمیت نگاه سیاسی به «هنر» و «فوتبال» دارد

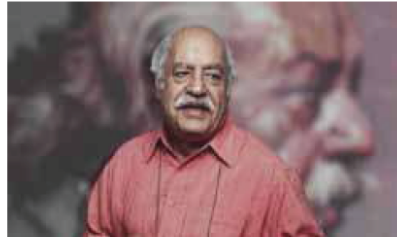
نشان می‌دهد که او هرگز در آثار خود از کلمات «کیک» و «شعراهای سطحی» استفاده نکرده است. این پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در بخش دیگری از سخنانش خطاب به مسئولان فرهنگی کشور گفت: یک مدیر فرهنگی باید خود را یاری‌گر هنرمندان بداند و نباید در مقام بازدارنده آنها قرار بگیرد. این انتظار وجود دارد حتی زمانی که هنرمندان از سوی یک جریان مورد حمله قرار می‌گیرند، این مدیر فرهنگی در مقام دفاع از جایگاه هنرمندان ظاهر شود.

■ حتی تأمین لباس برای بازیگران تئاتر نیز دشوار شده است

فراهانی با ابراز تأسف از وضعیت بد تئاتر در کشور، گفت: سالن‌های نمایش از ۲۰ تا ۳۵ درصد از میزان فروش بلیط را به خود اختصاص می‌دهند و ۹ درصد از فروش نیز صرف مالیات بر ارزش افزوده می‌شود و در عمل چیزی برای عوامل دخیل در برگزاری یک نمایش باقی نمی‌ماند. البته برخی از نمایش‌ها در کشور وجود دارند که از سوی حاکمیت حمایت می‌شوند و بودجه بر گزارانی آنها نیز تأمین می‌شود. او تأکید کرد: در شرایط اقتصادی فعلی به هیچ عنوان نمی‌توان آثار بزرگ نمایشی را بر روی صحنه آورد، زیرا بودجه کافی حتی برای تأمین لباس هنرمندان برای اجرای تئاتر نیز وجود ندارد. به همین لازم است این هنر تأثیرگذار اجتماعی مورد حمایت جدی قرار بگیرد. این هنرمند سرشناس در مواجهه با این پرسش که نگاه‌های محدودکننده به هنر و هنرمندان در نهایت چه اثری برجا خواهد گذاشت، گفت: این نگاه‌ها در نهایت به ضرر دولت‌ها و حاکمیت خواهد شد. نباید فراموش کنیم هنرمندان عرصه تئاتر قناعت را زیسته‌اند و می‌دانند چگونه در فقر نیز زندگی خود را شرافتمندانه به پیش ببرند. دولت‌ها باید بدانند که رزق و روزی اهالی تئاتر از پیش تعیین شده و آنها با وجود محدودیت‌های موجود نیز به تلاش خود در عرصه هنر ادامه خواهند داد.

■ ساعدی پس از مرگ نیز می‌درشد

بهزاد فراهانی، پیشکسوت هنر تئاتر در ادامه به ممنوعیت فعالیت‌های هنری خود اشاره کرد و گفت: بنده نزدیک به ۶ سال است به دلایل نامعلوم و شاید وجود برخی سیاست‌ها اجازه اجرای نمایش در مجموعه «تئاتر شهر» را پیدا نمی‌کنم. اما بنده در همین وضعیت نیز متوقف نمی‌شوم و همچنان به نگارش نمایشنامه ادامه می‌دهم. نباید فراموش کنیم که هنرمندان در تلاطم تاریخ خواهند درخشید و این مثال را درباره زندگی «غلامحسین ساعدی» از زمان مرگ او تا به امروز به وضوح می‌توان مشاهده کرد. به گزارش دیده بان ایران، این چهره سرشناس عرصه هنر در پایان تصریح کرد: متأسفانه هنر ایران همواره چوب مدیریت‌های اشتباه‌رامی خورد.



شش سال است اجازه برپایی نمایش در «تئاتر شهر» را ندارم
 رزق و روزی تئاترها دست دولتی‌ها نیست
 یک مدیر فرهنگی باید خود را یاری‌گر هنرمندان بداند و نباید در مقام بازدارنده آنها قرار بگیرد

ارشاد معتقدند نباید به هنرمندی که کار دلی انجام می‌دهد، پول داد؟، بیان داشت: هنری به نام تئاتر در بسیاری از کشورهای جهان از سوی حاکمیت حمایت مالی می‌شود. زیرا تئاتر یک نیروی عظیم و تأثیرگذار بر «وانشناسی اجتماعی»، «شخصیت اجتماعی»، «زبان و اخلاق ملی»، «نادگری و دموکراسی» و... است. او ادامه داد: حکومت‌های «دموکرات» و «غیر توتالیتر» بودجه‌های هنگفتی را صرف تئاتر می‌کنند. بنده به خاطر دارم زمانی که دوران دانشجویی خود را در «استراسبورگ» فرانسه سپری می‌کردم، دولت فرانسه حتی برای کسانی که در پارک معروف «اورنژری» تمرین تئاتر انجام می‌دادند نیز دستمزد پرداخت می‌کرد. فراهانی گفت: بنده انتظار ندارم مسئولان هنری در کشور همانند فرانسه عمل کنند، زیرا نگاه به هنر در این دو کشور متفاوت است. البته بعد از انقلاب تا دو دهه بر اساس یک سازوکار مشخص کمک‌هایی برای برپایی تئاتر به هنرمندان اعطا می‌شد، اما همان روند نیز به تدریج محدود شد تا کار به جایی رسید که این کمک‌ها به طور کامل قطع شد. این هنرمند سرشناس یادآور شد: مسئولان فرهنگی کشور با این استدلال که پول برای کسانی که به آنها فحش می‌دهند، صرف نخواهد کرد، حمایت خود از هنر تئاتر را متوقف کردند. واقعیت این است که تئاتر با فحش دادن تبدیل به یک اثر فاخر هنری نخواهد شد. باید بدانیم که تئاتر تحلیلگر و کالبدشکاف روابط اجتماعی است و نباید چنین نسبت‌هایی را به این هنر داد. حتی بررسی آثار هنرمند بزرگی همچون «چخوف» نیز

صحبت‌های اخیر محمودسالاری معاون هنری وزارت ارشاد در خصوص نگاه به هنرمندان و نوع مواجهه با ایشان انتقاداتی را به همراه داشت. سالاری گفته بود: «برخی از هنرمندان علاقه‌مند به یار کشی هستند، من نماینده هنرمندان نیستم، نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران هستم و باید منویات آن را اجرا کنم. برخی از هنرمندان معتقدند هنر کار دلی است و می‌خواهند کار دلشان را انجام دهند. دولت نمی‌تواند پول بیت‌المال را به هنرمندی بدهد که کار دلش را انجام دهد.»

به نظر می‌رسد این نوع بیان از معاون هنری وزارت ارشاد مروج نگاه حاکمیتی صرف به مقوله هنر باشد و شاید ناخواسته موجب محدودیت برای هنرمندانی شود که قصد دارند از درجه هنر تقد خود را به برخی از مسائل موجود در جامعه مطرح کنند و به دور از هر گونه فشار دولتی به کنش‌گری مسئولانه خود بپردازند. در همین رابطه استاد بهزاد فراهانی با اشاره به سابقه تدریس خود به محمود سالاری معاون هنری وزارت ارشاد می‌گوید: این احتمال وجود دارد که این مقام دولتی نتوانسته منظور اصلی خود درباره فعالیت دلی در هنر را بازگو کند. زیرا این نوع بیان با روحیاتی که از او سراغ دارم، تفاوت دارد. این چهره سرشناس عرصه هنر تأکید می‌کند: هنرمند اگر کاری را با دل و ایمان خود به سرانجام نرساند، هیچگاه نمی‌تواند در نگاه جامعه تبدیل به یک «هنرمند مردمی» شود. مدیران هنری نیز باید بدانند که نگاه بازدارنده به هنرمندان اشتباه است و انتظار می‌رود آنها مدافع هنرمندان در برابر حمله‌های بیرونی باشند.

■ هنر دلی منجر به کار مردمی می‌شود

بهزاد فراهانی پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون در خصوص لزوم پرهیز دولت‌ها از نگاه محدودکننده به مقوله هنر، اظهار کرد: باید بپذیریم که اگر هنر «دلی» نباشد، قطعاً مردمی نیز نمی‌تواند باشد. وی تأکید کرد: هنگامی که یک هنرمند در هر شاخه‌ای از هنر، فعالیت‌های را انجام می‌دهد؛ اگر آن فعل برآمده از دل و وجودش نباشد، پس می‌توان گفت که او کاری را بدون «ایمان» ارائه داده است. زمانی یک هنرمند می‌تواند مردمی باشد که با تمام ایمان خود دست به خلق یک اثر هنری زده باشد. این پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون خاطر نشان کرد: متأسفانه یک مشکل بزرگ گریبان تئاتر و سینمای ایران را گرفته و آن، تلاش حاکمیت برای سیاسی کردن تمامی مسائل مرتبط با این دو مقوله است. البته همین مشکل و نگاه غلط در «فوتبال» کشور نیز وجود دارد. فراهانی ضمن انتقاد از وجود برخی نگاه‌های غلط حاکمیتی، اظهار کرد: زمانی که همه موضوعات از دریچه سیاست دنبال شود، دیگر کسانی که در جایگاه قدرت قرار دارند نمی‌توانند با حرفی برآمده از دل است و قرار است بر دلهای بنشینند، موافقت کنند. این چهره سرشناس عرصه هنر در مواجهه با پرسشی مبنی بر اینکه چرا بخشی از بدنه وزارت

معرفی مدیر روابط عمومی و مدیر ستاد خبری جشنواره تئاتر مقاومت



یاسر یگانه و مهدی کیانی به‌عنوان مدیر ستاد خبری و مدیر روابط عمومی هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت معرفی شدند.

سیدوحید فخر موسوی دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت طی احکامی جداگانه، یاسر یگانه را به‌عنوان مدیر رسانه‌های نوین و ستاد خبری و مهدی کیانی را به‌عنوان مدیر روابط عمومی منصوب کرد.

هجدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر مقاومت به همت انجمن تئاتر انقلاب و دفاع مقدس بنیاد فرهنگی روایت فتح و با دبیری سیدوحید فخر موسوی در بازه زمانی شهریور لغایت آذر ۱۴۰۱ و در گستره ایران و کشورهای اسلامی برگزار می‌شود.



«کالیگولا» در مجموعه تئاتر دیوار چهارم |

نمایش «کالیگولا» به کارگردانی نیما ذاکر از دوم تا سی و یکم شهریور ماه در مجموعه تئاتر دیوار چهارم به صحنه می‌رود. به گزارش مهر، نیما ذاکر پس از اجرای نمایش «سوءتفاهم» که در خانه نمایش دا به صحنه رفت مجدداً نمایشنامه‌ای از آلبر کامو را برای اجرا انتخاب کرده است. «کالیگولا» از جمله آثار شناخته شده دنیای نمایش و مطرح‌ترین نمایشنامه کامو محسوب می‌شود. «کالیگولا» با ترجمه پری صابری و طراحی و کارگردانی نیما ذاکر اجرای عمومی خود را از چهارشنبه دوم شهریور ماه در تماشاخانه دیوار چهارم آغاز می‌کند. مشاور کارگردان این نمایش بهروز بقایی است. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: کالیگولا یک امپراتور نیست. یک نفرین است.

نگاهی به دو نمایش تماشاخانه مولوی

اندر مصائب ارزان ساختن



حسان در نور عالم

نگاشته شده بودند که می شد فهمید قرار است به ارزان ترین شکل ممکن ساخته شوند. تعداد بازیگران اندک بود و نویسنده - که در بیشتر مواقع خود کارگردان بود - فضایی بدون دکور و صحنه پردازی تصور کرده بود. بیشتر فضاسازی ها با نور صورت می گرفت و قرار بود با همسان دیالوگ های اضافی گنجانده شده در نمایشنامه به مخاطب فهماند دنیایی پیش رویشان کجاست. جشنواره مذکور جایی بود برای کسب اندک پولی بساری معاش گروه و این نوع تفکر منجر به شکل گیری نوعی از نمایشنامه نویسی شده بود که می شد آن را بیشتر متون مناسبانی و بیرون آن در اجراهای اولویت دار دید. نمونه اخیرش را در نمایش «دعوت نامه» به کارگردانی علی باهری می توان تماشا کرد.

نمایش داستان شمعون یهودی و شهزاد گبر زاده است که در مقام بازیسازان وقایع کربلا را باز آفرینی می کنند. آنها، مردمانی از سال های ابتدایی اسلامند که امر در آماتیک را برای یک تراژدی دینی بنامی کنند. بی شک با یک داستان خیالی رویه روییم؛ ولی این مهمترین وجه متنی است که فرهاد ارشاد نگاشته است. او چیزی فراهم کرده است که گروه را به در دسر چندان در تولید نیاندازد. اگر چه در نمایش گروهی از همسران بی صدا، هر از گاهی می آیند و می روند اما اساس نمایش بر پایه دوبار بگراست که مدام رنگ و نقش عوض می کنند و در این تغییر و تبدل دست و پا گیر ترین چیز دکور است، پس دکور به راحتی حذف می شود و آنچه به نمایش جلوه می دهد عمق سالن مولوی

است. فرورفتن در سیاهی و برآمدن به اوانسن، یک زیبایی بصری ایجاد می کند و البته یک فرم تکراری در آثار دینی و مذهبی. فارغ از اینکه آیا ما با نمایش جذابی رویه روییم یا بازی بازگران چشم نواز است، با نوعی روش تولید رویه روییم که از قضا فراگیر است. نمی دانم متن فرهاد ارشاد در چه زمانی و چه منظور نگاشته شده است؛ اما تجربه خواندن نزدیک به هزار متن از این دست آثار نشان می دهد نوعی فکر در سر نمایشنامه نویسان آما تور می گذرد که بطور می توان با ارزان سازی، یک مفهوم اولویت دار را نوشت. در چنین فضایی خبری از زیبایی شناسی نیست اما با نوعی زیبایی شناسی انتقالی رویه روی می شنوییم، نه در آثار اولویت دار که در آثار دانشجویی، اثری که بدون نگرش

موضوعی که بر مبنای حساسیت هنری آفریده می شود.

در گوشه دیگر تالار مولوی نمایش دیگری روی صحنه می رود با عنوان «هیوشیما» به قلم و کارگردانی مصطفی فراهانی. شب جله است و چند شخصیت نامتجانس در اتاقکی درون قبرستان شهر گرد هم آمده اند. برف شدیدی در حال بارش است و افراد به نوعی در این اتاقک اسیر شده اند و بیشتر از آن اسیر گناهان و امیال خویش شده اند تا جایی که نه تنها طبیعت، که قبرستان علیه آن می شود. آنان مقتول مردگانی می شنوند که در عجب ترین شکل به آنان هجوم می آورند و روی صحنه وضعیت سوررئال بی منطق شکل می گیرد. این بی منطقی با نوعی ارزان سازی همراه می شود و از همین رو گران نبودن اثر و اجدر زیبایی شناسی فکر شده می شود.

دکور نمایش یک اتاقک کامل است که سقفش را با ابرایت و پلاستیک پوشانده اند. با ارزان ترین مصالح ممکن و البته نزدیک به واقعیت چنین فضاهایی، درون صحنه مقداری وسیله زندگی واقعی رنگ و رو رو فرشته است که گویی از خنازیر و باسکانه نعمت آباد تهیه شده است. همه چیز قرار است بانوعی رئالیسم خشن گره بخورد. دو نفر در خوابند که یکی احساس می کند صدایی می شنود و وحشت می کند. وحشت او زمانی واقعی تر می شود که در می یابیم آنان در میانه قبرستان زندگی می کنند. همه چیز از جمله بازی ها بانوعی بدویت پیش می رود. انگار قرار است زیست شخصیت ها در فضایی نامتعارف اما واقعی، به بازی نامتعارف اما واقعی هم دچار شود. اگر چه بازی ها آغشته با آما تور بودن است. این وضعیت با نوع روایت داستان که اساسا داستانی ندارد جز گره خوردن روابط چهار شخصیت، با بلبلسوی بصری یکی می شود. ارزان بودن اما به اثر هم آسیب می زند و هم آن را تقویت می کند. برای مثال شاید در یک دکور گران قیمت ابعاد و وحشت آفرین نمایش بیشتر می شد. کارگردان و بازیگران تلاش می کنند هراس حاضر

در آتشفشان اتاقک قبرستان را به مخاطب القا کنند و البته پایان نمایش ضربه ای است کاری برای هراسیدن؛ اما در یک وضعیت گران قیمت ترمی شدت رفتن های خوفناک تری به کار برد و تماشاگر را بیشتر روی صندلیش میخکوب کرد. با این حال گران شدن نمایش می توانست خلافت اثر را به قتل برساند. بسنان دست برتر به دور گردن سیطنت جوانی کارگردان و نویسنده نمایش گره می خورد و او را خفه می کرد. پس ما باید بر اساس مقتضیات درک کنیم نمایش چگونه کار می کند.

نسبت به کار پیشین مصطفی فراهانی، «کاتداگ» او به مراتب در کمرنگ کردن مرز واقعیت و خیال موفق ظاهر شده است. در «کاتداگ» همه چیز در یک دوهم فرومی رفته؛ اما در اینجا خبری از دوهم نیست. فضا تلاش می کند به مخاطب بگوید در یک وضعیت واقعی قرار داریم. روابط افراد نیز چنین است. زمانی که شخصیت دختر با به اتاقک می گذارد، سه مردی که در وضعیت طبقاتی قرار دارند - دو خانه به دوش و یک سرپایز فراری - نسبتی روانی با دختر پیدا می کنند که کاملاً برآمده از فضای رئالیستی است. حتی ممکن است افراد دست به خوانشی روانگوانه بزنند که چگونه طبقه و جنسیت در هم گره خورده اند. دختری که مائین شخصی دارد و برای برداشتن دندان طلای مادرش آمده در مقابل مردانی که چیزی برای همه این کدها و واقع گرا در نتیجه برای گمراهی و رسیدن به امری خیالین است، امری که در «کاتداگ» نیز رخ می دهد؛ اما آشفته و در هم و اینجاد در «هیوشیما» منسجم شده است. خودش را پیدا کرده است. با این حال برای من روشن است که مخاطب عام با «دعوت نامه» بیشتر از «هیوشیما» ارتباط برقرار می کند. دو نمایش که در وضعیت ارزان سازی قرار می گیرند در نگاه عمومی وضعیت کاملاً متفاوتی قرار می گیرند. اولی برای مردم آشناست و دومی ناآشنا و این فاکتور مهمی است در عرصه اثر هنری.

روایتی از چند زن زندانی و تلاش برای رهایی



اجرا، شوهرش شهید می‌شود و این زن ناخواسته، مرتکب قتل غیرعمد می‌شود.

بهروزی‌نیا درباره محدودیت‌هایی که برای پرداختن به مسائل زنان در آثار هنری وجود دارد، توضیح می‌دهد: طبیعتاً به دلیل محدودیت‌های موجود، دست‌مان خیلی باز نیست و کسانی که دوست دارند در آثار هنری خود به مسأله زنان بپردازند، دچار پستی و بلندی زیاد می‌شوند ولی پرداختن به این مسائل، شدنی است.

نمایش «بازی بزرگ» به نویسندگی و کارگردانی زهره بهروزی‌نیا هر شب ساعت ۲۰:۱۵ در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه می‌رود.

در این اثر نمایشی که روایتی از زندگی چند زن زندانی است که برای رهایی از بند، تلاش می‌کنند، (به ترتیب حروف الفبا) آتیه جاوید، فاطیما سرلک، مریم سرمدی، مریم معینسی، به‌ناز نادری و هدا ناصح به‌عنوان بازیگر حضور دارند.

از دیگر عوامل این نمایش می‌توان به بهزاد عبدی (آهنگساز)، امیر مشهدی‌عباس (طراح صحنه)، رضا خضرای (طراح نور)، رضا مهدی‌زاده (طراح پوستر و بروشور)، آتیه جاوید، مهدیه رمضان پور، ریتا بادپا (بازیگران بخش فیلم)، تارا بیرقی (نوازنده سازهای کوبه‌ای)، مهدی آروم (عکاس)، هادی بادپا (دستیار کارگردان)، عصمت باپیران (منشی صحنه)، رضا ارجمند خواه (اصلاح فنی دکور)، امیرصدرا عیسی‌پور (مدیر صحنه)، جاوید علیپور (پن استودیو) (ساخت تیزر و اقلام تبلیغاتی)، فرزاد شکاری (مشاور تبلیغات) و حامد قریب (مشاور رسانه‌ای) اشاره کرد.

زهره بهروزی‌نیا که به تازگی اجرای نمایش «بازی بزرگ» را آغاز کرده، می‌گوید: پرداختن به مسائل زنان در آثار هنری به دلیل محدودیت‌های موجود، پستی و بلندی زیادی دارد ولی شدنی است.

این کارگردان تئاتر که نمایش خود را در تالار مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌برد، در گفتگو با ایسنا از دغدغه‌اش برای اجرای آثار اجتماعی و زنانه می‌گوید.

او که از تیر سال گذشته مشغول نوشتن این نمایشنامه شده، یادآوری می‌کند: ایده‌ای که برای نوشتن این متن داشتم، از خیلی سال پیش همراه بوده است ولی مشخصاً از تیر پارسال نگارش این نمایشنامه را آغاز کردم.

بهروزی‌نیا که نمایش خود را درباره چند زن زندانی اجرا می‌کند، ادامه می‌دهد: برای نوشتن این نمایشنامه نشد که از زندان‌ها بازدید کنم ولی متن را بر اساس تحقیقات میدانی و گفتگوهای تلفنی نوشتم و به جز آن یکسری اسناد را هم مطالعه کردم.

این کارگردان تئاتر با تأکید بر اینکه مسائل زنان همواره برایش اهمیت داشته است، اضافه می‌کند: نگاهی که در آثارم دنبال می‌کنم، این نیست که نشان بدهم فقط به زنان ظلم شده بلکه نگاهم، پرداختن به کلیت مسائل زنان است و این متن را هم بر اساس همین دغدغه نوشتم.

او درباره میزان مستند بودن این اثر نمایشی توضیح می‌دهد: نمونه تمام شخصیت‌های این نمایش را در جامعه داریم. به این معنا که این زنان متعلق به طبقه عامه جامعه هستند. در این نمایش زنانی داریم که هر یک به جرمی در زندان به سر می‌برند. یکی ناخواسته قتل کرده، دیگری کلاهبردار است، یکی دزد و دیگری روسپی است و ما در این نمایش می‌بینیم که آنان تحت چه شرایطی، مرتکب خلاف شده‌اند.

بهروزی‌نیا با بیان اینکه یکی از شخصیت‌های این نمایش همسر یک شهید است، می‌افزاید: در جامعه ما درباره شهدای جنگ زیاد صحبت می‌کنیم ولی کمتر اتفاق می‌افتد که درباره همسران آنان و رنج‌ها و مرارت‌هایی که متحمل می‌شوند، اثری بسازیم. ما تلاش کردیم در این نمایش به بخشی از این مشکلات بپردازیم. البته شخصیت نمایش ما همسر یک جانباز است که در طول

نگه

کار بنیادین دولت‌ها ایجاد توسعه فکری و نشاط اجتماعی است

شهرام گیل آبادی



و در این راه از آزار آزارگران روحی خصوصا در فضای مخدوش مجازی آن هم توسط آدمهای بی هویت مجازی در امان نبودند تقدیر و تشکر کنم به واقع اگر نبود اعتقاد به همگرایی، بیوستگی و همبستگی گروهی که نتیجه عمری اطمینان قلبی در رفاقت است این مهم محقق نمی شد. جا دارد در ادامه از مدیریت و پرسنل پردیس تئاتر شهرزاد صمیمانه تقدیر و تشکر کنم. بی شک مبارزه با ظلم، قلم به مزمان، کج اندیشان و زازگوبان ادامه داشته و در این راه از هیچ کوششی فروگذاری نخواهیم کرد، خواه بهانه‌های کور موجب لذت بی خردان کور دل شود. استاد بزرگی به زبان شیرین لری همیشه لبخند می زد و می گفت حق باشید و حق بگویید بدانید و دایم با خود تکرار کنید: «خدایا تو آنی به آنی توانی جهانی تپانی ته استگانی» عزت و ذلت دست خداست.

موضوع با نامه‌های نظارت، ارزیابی و ارزشیابی جای تامل بسیار دارد. در این مسیر بیش از یک ماهه کج اندیشان با افکار التقاطی پوسیده و گاه مدرن، با شعارهای مردم فریب هر آنچه در توان داشتند به کار گرفتند تا حرکت مصمم و خروشان گروه را مخدوش و اثر هنری و آرایه آن به مردم را با مشکل مواجه کنند اما تماشاگران عزیز و مردم حق آیین حمایت از گروه را در حد غایت انجام دادند و خط بطلانی به تمام توطئه‌های طراحی شده کشیدند. شگفتی رایج در این آزار گریها تقاطع شکل گرفته در نقطه روشنفکر مآبان و اقتدار اندیشان بود که در آینده به تفصیل در این خصوص برای آگاهی مردم و تماشاگران گرمای با مثالهای عینی خواهم نوشت باید و بر خود واجب می دانم از همه گروه اجرایی خودم خصوصا بازیگران عزیز که دلدادگی و رفاقت را با اعتقاد و در کنار هم بودن به اوج خود رساندند

از هر گونه مداهنه یا مجیزگویی باشد. مگر می شود هنری سیاسی یا اجتماعی نباشد؟ امروز که گروه تئاتر «ب» با افتخار اثر «عاشقانه‌ها» را که قصای تعاملی در مورد زنان دستفروش مترو و عشق بود تقدیم بیش از دوازده هزار نفر تماشاگر کرد خوشحال است که در میان لطف و بزرگواری تماشاگران، اندیشه و حرف خود را به اشتراک گذاشت. تمام عوامل هنرمند گروه خصوصا بازیگران عزیز در اوج سختی سنی کردند با صداقت هر چه در توان دارند برای تقدیم اثری مردمگرا، مستند و تعاملی در طبق اخلاص بگذارند. این گروه در صورت حمایت و تأمین سلسل اجرا آمادگی خود را برای اجرای این اثر در شهرستانهای کشور اعلام می کند. بدون شک گروه تئاتر «ب» آماده است در صورت تأمین سلسل، چند اجرای خود را به صورت رایگان تقدیم نشاط اجتماعی و فکری عزیزان یا دانشجویانی کند که در این شرایط سخت بضاعت خرید بلیت تئاتر ندارند. ما معتقدیم اکسیر گم شده عصر اکنون گفتگو است و «عاشقانه‌ها» سعی کرد در اوج دلدادگی گفتگوی عالی را بین صحنه و تماشاگر پایه‌ریزی کند. در این راه اگر همراهی معاون هنری وزارت ارشاد و مدیر کل هنرهای نمایشی نبود شاید هم اکنون، بازم مجوز اجرا صادر نشده بود. هرچند بیش از پانزده بار بازبینی و نظارت بر اثر سبک تازه ای از نظارت را به منصفه ظهور رساند اما از برخورد مهربانانه ناظران هم نمی توان گذشت. متأسفانه این نوع نگاه باعث شد حتی سایت فروش حدود بیست و چهار ساعت قبل از اجرا باز شده و مجوز تبلیغ گروه برای آگاهی تماشاگران عزیز هم دیر صادر شود اما طبق معمول آثار آرایه شده گروه، خیلی زود اثر از دید آمار سایت فروش تبدیل به پر مخاطب ترین اثر تئاتری بره زمانی خود شد. به یقین بلوغ هنری و آزادی خلق انسانی یکی از مفرهای مصرح قانونی است که با اختیار در قانون اساسی کشور مورد طرح قرار گرفته است که به نظر می رسد سلب این

امروزه که تئاتر، فیلم و موسیقی، قدرتمندترین حوزه‌های بیانی برای رسیدن به توسعه معرفتی و نشاط اجتماعی محسوب می شوند در کشور ما کمترین حمایت را از سوی دولت‌ها داشته‌اند. وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش و حتی آموزش عالی در نقطه‌ای ایستاده‌اند که هنرها را از لبه پرتگاه خصوصی‌سازی به ته دره پرتاب کرده‌اند. هنر بازتای اندیشه است، هنر، اقتصاد، تجارت، صنعت یا کشاورزی نیست که بتوان با شعارهای سرمایه داری به دام سودجویان انداخت؛ هرچند در زمان اکنون این حرف هم دستخوش بسی برنامه گی و نامنی شده‌اند. هنر و هنرمند نیاز به حمایت دارند. هنر و هنرمند مستقل - گنجی برای هر کشور به حساب می آید و بدون شک جزء سرمایه‌های یک سرزمین هستند و باید مورد پشتیبانی و حمایت باشند. همواره هنر نقاد، تحلیگر و اندیشمند بوده است و هنر مستقل سعی کرده است از پلشتیها و کژیها عبور کند و چشم اندازی انسانی را در جامعه خود پدیدار سازد. دولت‌های اقتدارگرا همواره نقد را برنناخته و با اندیشه برخوردی سلبی داشته‌اند. تنگ کردن چارچوبه‌های نظارتی، کم کردن حمایت‌های مادی و معنوی، عدم توجه به هنر و هنرمندان، بهره‌گیری از ابزارهای کنترلی از کنترل فکری تا کنترل مادی، برخی از شاخصه‌های دولت‌های اقتدارگراست. این دولت در بخش فرهنگ و هنر نشان داده است که هیچ چشم انداز روشنی نداشته و حداقل‌های حمایتی را هم سلب کرده است. عملکرد اقتضایی یکی از بلایای حال حاضر هنر ایران است. حمایت از هنرمندان خصوصا در این عصر عثرت و سختی معیشتی، حمایت از مردم است. ساحت هنر نباید با بهانه‌هایی مانند سیاه نمایی تبدیل به جولانگاهی برای حصر و محدودیت شود. هنر باید لحن هنرمند را داشته باشد و لحن هر هنرمندی از نحوه نگاهش به پدیده‌ها ملهم می شود. هنر هنرمند باید سیاسی، اجتماعی و ... به دور

معرفی دبیران همایش «روایت راهیان»

موتورچی و ساربان به عنوان دبیران هنری و اجرایی ششمین همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین «روایت راهیان» معرفی شدند. به گزارش «وطن امروز»، سیدمصطفی موتورچی و آرش ساربان طی احکامی جداگانه از سوی کوروش زارعی، مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری به ترتیب دبیری هنری و اجرایی ششمین همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین «روایت راهیان» را بر عهده گرفتند.

سیدمصطفی موتورچی و آرش ساربان طی سال‌های گذشته تلاش‌های بسیاری در برپایی همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین «روایت راهیان» داشته‌اند و از تجارب خوبی در این امر برخوردار هستند. ششمین همایش بین‌المللی تئاتر پیاده‌روی اربعین «روایت راهیان» همزمان با آغاز این آیین زیارتی از مرزهای ورودی به عراق آغاز می‌شود و در نجف اشرف، مسیر پیاده‌روی زائران و عاشقان اباعبدالله‌الحسین تا کربلا ادامه خواهد داشت.